

نامه‌ها و منشآت جامی

○ حمیده شهیدی

○ نامه‌ها و منشآت جامی

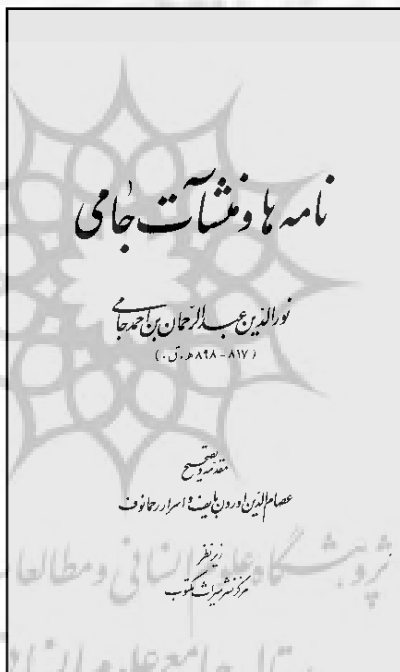
○ تالیف: نورالدین عبدالرحمن بن احمد جامی

○ مقدمه و تصحیح:

عصام الدین اورون بایف و اسرار رحمانوف

○ ناشر: میراث مکتوب،

تهران چاپ اول، ۱۳۷۸ ش



نورالدین عبدالرحمن جامی از شاعران، محققان و عارفان نامدار سده نهم هجری است. وی در سال ۸۱۷ هـ. ق در ناحیه خرجرد از توابع جام خراسان پا به عرصه وجود نهاد. جامی در حدود سیزده سالگی به همراه پدرش احمد بن محمد الدشتی که از سرشناسان جام محسوب می‌شد، راهی هرات گردید و در محضر علماء و دانشمندان آنجا کسب فیض نمود. او در دو مرکز علمی هرات و سمرقند، علوم متداول عصر خود را آموخت و سپس در هرات به خدمت بزرگان و مشایخ طریقت نقشبندیه در آمد. جامی سال‌های زیادی در هرات زیست و چهره محبوب و محترم این دیار به شمار می‌رفت. وی سرانجام در هشتاد و یک سالگی در هرات وفات یافت. (۸۹۸ هـ. ق)

از عبدالرحمن جامی، آثار ادبی متعددی اعم از نظم و نثر به جای مانده که در این بین

همت نشر میراث مکتوب در اختیار علاقمندان قرار گرفته است.

در آخر این کتاب، به خاطر آشنایی بهتر و بیشتر با کار و زندگی جامی، بخصوص ویژگی‌های نامه‌نگاری وی، باب دوم از رساله خمس‌المتحیرین^۲ و چند بخش از کتاب مقامات جامی،^۳ ضمیمه شده است.

در این مجموعه، ۴۵۹ نامه گردآوری شده است. از این تعداد ۲۶ نامه متعلق به کسانی است که به جامی نوشته‌اند و ۴۳۳ نامه دیگر، نوشته‌هایی است که جامی به شخصیت‌های مختلف ارسال داشته است.

۷۷ نامه از این تعداد، برگرفته از رساله منشآت جامی^۵ است.

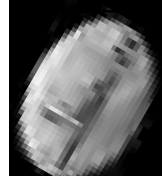
این رساله آنگونه که در مقدمه آن آمده توسط خود جامی جمع‌آوری شده است: «... هر چند این کمینه بر اسرار صناعت انشاء اطلاع نیافته و بر آثار منشیان فضیلت انتما به قدم اتباع نشتافته، اما چون به ضرورت حکم وقت و اقتضای حال رقع‌ای چند در مخاطبه ارباب جاه و جلال و مجاوبه اصحاب فضل و کمال اتفاق افتاده بود و به معیار طبع سلیم و ذهن مستقیم بعضی اجله مخادیم تمام عبار می‌نمود و در این اوراق جمع کرده شد و ترتیب داده آمد، شاید که بدین وسیله بر خاطر مقبلی عبور افتد و خطور بر ضمیر صاحب‌دل سرمایه جمعیت و حضور گردد...»^۶

مخاطبان جامی در این نامه‌ها شخصیت‌های برجسته و معروفی هستند از سلاطین و حاکمان نظیر سلطان حسین بایقرا تیموری، سلطان محمد فاتح، سلطان بایزید ثانی عثمانی و جهان‌شاه قراقویونلو هستند. از وزراء و رؤسای دول: امیر علیشیر

مکاتیب او، دارای اهمیت خاص تاریخی است. اصل نسخ خطی این نامه‌ها، در گنجینه دستنویس‌های شرقی آکادمی علوم جمهوری ازبکستان تحت شماره ۲۱۷۸ نگهداری می‌شود.

این نامه‌ها به تصحیح ایران‌شناس و نسخه‌شناس معروف ازبک، عصام الدین اورون بایف به همراه محقق دیگری به نام اسرار رحمانوف، به مناسبت پانصد و هفتاد و پنجمین سالگرد تولد جامی در شهر دوشنبه به چاپ رسید^۷ و در ایران، مقدمه و توضیحاتی که مصححین به زبان روسی نوشته‌اند توسط پروفیسور رحیم مسلمانیان قبادیانی^۸، به زبان فارسی ترجمه شده و در سال ۱۳۷۸ ش. به





این نامه‌ها حاوی اطلاعات گران‌بهایی راجع به اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خراسان و ماوراءالنهر در قرن نهم هجری (پانزدهم میلادی) می‌باشد

از عبدالرحمن جامی، آثار ادبی متعددی اعم از نظم و نثر به جای مانده که در این بین مکاتیب او، دارای اهمیت خاص تاریخی است. اصل نسخ خطی این نامه‌ها، در گنجینه دستنویس‌های شرقی آکادمی علوم جمهوری ازبکستان تحت شماره ۲۱۷۸ ازبکستان نگهداری می‌شود

در این مجموعه، ۴۵۹ نامه گردآوری شده است. از این تعداد ۲۶ نامه متعلق به کسانی است که به جامی نوشته‌اند و ۴۳۳ نامه دیگر، نوشته‌هایی است که جامی به شخصیت‌های مختلف ارسال داشته است

نوایی و خواجه مجدالدین پروانه و از خیل عارفان، شعرا و عالمان و قضات می‌توان از خواجه عبید... احرار، مولانا سیفی، ملاعلی قوشچی و قاضی زاده رومی نام برد.

در تعداد زیادی از نامه‌ها، جامی خود را «الفقییر عبد الرحمن جامی» معرفی می‌نماید. در برخی از مکاتیب شیوه‌های ادبی به کار رفته و در آن به فراخور حال، اشعار مناسبی آمده است. به طور کلی، جامی در نامه‌هایش جانب اختصار و ایجاز را در پیش گرفته و مقصد خود را به مخاطب، مفید و مختصر بیان می‌دارد.

تعداد زیادی از نامه‌ها با جمله «بعد از عرض نیاز معروض اینک» آغاز شده و بعد از ارائه مطلبی کوتاه، به جمله «توفیق رفیق باد. و السلام» خاتمه می‌یابد.

درباره ارزش نامه‌های جامی از لحاظ تاریخی باید گفت: این نامه‌ها حاوی اطلاعات گران‌بهایی راجع به اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خراسان و ماوراءالنهر در قرن نهم هجری (پانزدهم میلادی) می‌باشد.

علاوه بر آن، می‌توان راجع به زندگی شخصی جامی و شخصیت‌های برجسته آن زمان، اطلاعاتی کسب نمود.

با بررسی این مکاتیب، این نکته روشن

می‌شود که هدف جامی از نامه نگاری، نفع شخصی نبوده بلکه تمام درخواست‌های جامی، به منظور دفاع از اقشار مختلف جامعه و تلاش برای حل مشکل افراد گرفتار و حاجتمند بوده است. این نامه‌ها نشان می‌دهد که چگونه مردم، جامی را حامی و غمخوار خود می‌دانستند و مشکلات خود را با وی مطرح می‌کردند و او نیز در خدمت توده مردم بوده و از منافعشان دفاع می‌کرده است.

از نامه‌های جامی می‌توان اخبار مهمی درباره نظام مالیاتی در این دوره (قرن نهم هجری) بدست آورد. از آن‌جا که جامی از نزدیک با احوال و زندگی مردم آشنا بود، نتایج مخرب باج و خراجهایی که به عناوین گوناگون بر آنان تحمیل می‌شد را درک می‌کرد لذا به منظور مراعات حال مردم و تعدیل این گونه مالیات‌ها، به دربار نامه می‌نوشت.

به طور مثال، جامی در نامه شماره ۹۶ می‌نویسد: «... مزارعان بساکوه تظلم می‌نمایند که کاربزه‌های ایشان خشک شده است و در محصولات ایشان نقصان بسیار واقع شده است. التماس آنکه، عنایت نموده. التفات خاطر شریف از حال ایشان دریغ ندارند و تفحص فرموده نگذارند که بر ایشان حیفی رود...»^۶ جامی در این نامه گرفتن مالیات از کشاورزان بساکوه را به دلیل خشکسالی، ظلم می‌داند و خواستار رعایت حال ایشان است.

علاوه بر آن از این مکاتیب می‌توان از پاره‌ای جنگ و نزاع‌های این دوره که میان خاندان تیموری به وقوع پیوسته اطلاعاتی کسب کرد. جامی برای جلوگیری از این جنگ‌ها که مسلماً دامن‌گیر رعایا و توده مردم می‌شد، همواره پادشاه وقت، سلطان حسین بایقرا را به اتخاذ روش‌های مسالمت‌آمیز توصیه می‌کند و گاهی از برقراری صلح اظهار شادمانی می‌نماید. نامه‌های شماره ۱، ۱۵، ۱۹ مؤید این نکته است.

تعدادی از این نامه‌ها، به منظور رساندن صدای تظلم و دادخواهی افراد به دربار یا مراجع حقوقی نگاشته شده‌اند نظیر این نامه که احتمالاً گیرنده آن امیر علیشیر نوایی است:

«... جماعت قصابان تظلمی دارند که به سمع شریف خواهد رسانید. اگر چنانکه عنایت نموده، به غور حال ایشان برسند و نگذارند که بر ایشان تغلیبی رود...»^۸ در شماری از این مکاتیب، جامی برای افراد تائب و مورد غضب، بخشش می‌طلبد. از جمله جامی طی نامه‌ای برای امیر حیدر از نزدیکان علیشیر نوایی که گرفتار غضب سلطان حسین قرار گرفته بود، از سلطان طلب بخشش و آزادی می‌نماید.

«... دیرگاه است که خدمت امیر حیدر به جهت بعضی گستاخیها که به واسطه همصحبتان بد از وی صادر شده بود به موجب فرمان همایون در حبس مانده است، و حالا چنان معلوم می‌شود که به سبب این ریاضت اضطراری وقت وی صافی گشته و از آن کردارها پشیمان شده... و در صدد آن است که چون وی را صورت استخلاصی حاصل آید استرضای خصوم بکند و من بعد در بند خصومت هیچ مسلمان نباشد... اگر چنانچه عنایت نموده اشارت رود که وی را از حبس بیرون آرند و در سلک سایر بندگان انحرطای یابد از مقتضای عواطف پادشاهانه دور نمی‌نماید...»^۹

تعداد زیادی از نامه‌ها، نشان دهنده نگرانی جامی از وضعیت معیشتی و مالی اهل علم است. به عنوان نمونه جامی طی نامه‌ای که احتمالاً گیرنده آن امیر علیشیر نوایی است درباره طلبه‌ای به نام مولانا جلال الدین یوسف می‌نویسد: «... خدمت مولانا جلال الدین یوسف محضری مخبر از استعداد و استحقاق و صلاحیت و اهلیت ایشان که به خطوط اکابر موشح است به دست دارند و اظهار فقر و احتیاج می‌کنند، اگر چنانچه عنایت نموده وجهی شود که فارغ البال به تحقیق علوم نافع مشغول باشند مناسب و لایق می‌نماید...»^{۱۰}

نکته‌ای که ذکر آن ضروری می‌نماید این است که نامه‌های متبادله میان جامی و امیر علیشیر نوایی نشان دهنده روابط صمیمانه میان این دو شخصیت برجسته این عصر است. جامی در زمانی که نوایی قصد ترک دربار را داشت و از قربان با درباریان و سلطان خسته

نگاره‌ای از
عبدالرحمان جامی



مخاطبان جامی در این نامه‌ها شخصیت‌های برجسته و معروفی از سلاطین و حاکمان نظیر سلطان حسین بایقراوی تیموری، سلطان محمد فاتح، سلطان بایزید ثانی عثمانی و جهانشاه قراقویونلو هستند. از وزراء و رؤسای دول: امیر علیشیر نوایی و خواجه مجدالدین پروانه و از خیل عارفان، شعرا و عالمان و قضات می‌توان از خواجه عبید... احرار، مولاناسیفی، ملاعلی قوشچی و قاضی زاده رومی نام برد

شده بود او را به صبر و شکیبایی دعوت می‌کند و سعی می‌نماید او را از این کار باز دارد. آنچنانکه از نامه شماره ۳۵ " استنباط می‌شود هدف جامی از تشویق نوایی برای ماندن در منصب دولتی به جهت مصلحت توده مردم و بهبودی وضع مملکت بوده است.

کوتاه سخن اینکه، همان طور که قبلاً ذکر کردیم، این مجموعه حاوی اطلاعات با ارزشی راجع به اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خراسان و ماوراءالنهر در قرن نهم هجری می‌باشد. ارزش این مکاتیب زمانی بیشتر جلوه می‌نماید که این نکته را بیاد داشته باشیم، تواریخ این دوره عموماً به گزارش وضعیت سیاسی و جنگها و فتوحات و زندگانی پادشاهان می‌پردازد و کمتر به وضعیت اجتماعی، اقتصادی توده مردم توجه دارند.

پی‌نوشتها:

۱. درباره نسخه خطی این مجموعه و چگونگی چاپ آن ر. ک.: علاخان افصح‌زاده: نقد و بررسی آثار و شرح احوال جامی، تهران، نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۸ ش، صص ۲۴۰-۲۳۹.
۲. برای آگاهی از شرح حال مترجم ر. ک. دانشنامه ادب فارسی، به سرپرستی حسن انوشه، تهران، مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی

- دانشنامه، ۱۳۷۵ ش، ج ۱، ص ۸۱۲.
۳. رساله خمسة المتحیرین اثر امیر نظام الدین علیشیر نوایی است که درباره جامی به زبان ترکی جغتائی نوشته شده و تاکنون به زیور چاپ آراسته نگردیده است. در باب دوم این رساله نمونه‌هایی از نامه‌های نگاشته شده میان نوایی و جامی به همراه شرح و تفصیل آن نامه‌ها آورده شده است. البته بهتر بود که این قسمت با ترجمه فارسی در کتاب حاضر به چاپ می‌رسید.
۴. مقامات جامی، تالیف عبدالواسع نظامی باخرزی است که راجع به احوال جامی می‌باشد. این کتاب توسط آقای مایل هروی تصحیح شده و در سال ۱۳۷۱ ش، به همت نشر نی به چاپ رسیده است.
۵. پیشتر، این رساله، به سال ۱۳۴۶ ش در چند شماره از نشریه دانشکده ادبیات تبریز توسط آقای ادیب طوسی، به چاپ رسیده است. (سال نوزدهم ش ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴)
۶. نورالدین عبدالرحمن بن احمد جامی: نامه‌ها و منشآت جامی، مقدمه و تصحیح: عصام الدین اورون بایف و اسرار رحمانوف، تهران، نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۸ ش، ص ۲۱۱.
۷. همان، ص ۱۳۴.
۸. همان، نامه شماره ۱۲۲، ص ۱۴۳.
۹. همان، نامه شماره ۶۶، ص ۱۲۴.
۱۰. همان، نامه شماره ۵۹، ص ۱۲۲.
۱۱. همان، ص ۱۱۴.

